گفت وگو با تام کروز و استیون اسپیلبرگ درباره آخرین فیلم مشترکشان «جنگ دنیاها»

واقعی ترین فیلمم را خواهم ساخت

ترجمه: امیر نوری زاده

استیون اسپیلبرگ و تام کروز بدون شک دو تن از مطرح ترین افراد سینمای امروز جهان محسوب می شوند که چند سال پیش سرانجام در اقتباسی از رمان فیلیپ دیک به نام گزارش اقلیت (Minority Report) با یکدیگر همکاری داشتند و اخیراً برداشت سینمایی از رمان کلاسیک اچ جی ولز به نام جنگ دنیاها را برای همکاری دوم در نظر گرفته اند. در این فیلم که براساس فیلمنامه ای از دیوید کوئپ ساخته می شود، علاوه بر تام کروز، داکوتافانینگ و تیم رابینز نیز حضور دارند. اسپیلبرگ و کروز در خلال فیلمبرداری این فیلم که اکران آن در ژوئن ۲۰۰۵ خواهد بود، گفت وگوی مفصلی را پیرامون فیلم و دلایل همکاری مجددشان انجام داده اند.

□ **گروه فرهنگ وهنر**

این داستان بارها روایت شده است. دلیل ساخت فیلم در این زمان چیست؟

اسپیلبرگ: اگر من امکانات فعلی را در اختیار داشتم، دوازده سال قبل این فیلم را می ساختم. البته دلیل قضیه این نیست که من ناگهان دوازده سال پیش به این داستان علاقه مند شدم بلکه در مزایده ای آخرین نسخه برنامه رادیویی جنگ دنیاها را که توسط پلیس معدوم نشده بود خریداری کردم چون پس از پخش برنامه و جنجالهای پیرامون آن پلیس تقریباً تمام نسخه های متن برنامه را نابود کرد و فقط یک نسخه از آن در منزل هاوارد کچ بود چرا که کچ به همراه اورسون ولز آن را نوشته بود و در زمان اجرای برنامه در رادیو توسط اورسون ولز در ساختمان مرکوری تیاتر نبود بلکه مایل ها آن طرف تر در نیوجرسی حضور داشت. بنابراین زمانی که آخرین نسخه این برنامه رادیویی را خریداری کردم با دقت زیاد آن را خواندم. رمان اصلی را بارها خوانده بودم که اولین مرتبه به سال ۱۹۶۶ بود. پس از خریداری متن برنامه، به این فکر افتادم که فیلمی براساس آن بسازم هرچند که در طول آن سالها چند فیلم که به نوعی از ایده و لز الهام گرفته بودند از جمله روز استقلال اکران شده بود. این مسأله باعث شد مدتی برای ساخت این فیلم مردد باشم ولی سرانجام تصمیم خودم را گرفتم. از سوی دیگر پس از فیلم گزارش اقلیت (Minority Report) می خواستم فیلم دیگری با تام کروز کار کنم بعد با تام تماس گرفتم و از او پرسیدم که آیا تمایل به این پروژه دارد...

کروز: من هم قرار ملاقاتی گذاشتم که فکر می کنم در اواسط فیلمبرداری اگر می توانی مرا بگیر بود و استیون به من گفت که سه ایده برای همکاری دارد...

اسپیلبرگ: من هر سه را پشت سر هم مطرح کردم.

کروز: و من از شنیدن جنگ دنیاهاهیجان زده شدم و کار از همان زمان آغاز شد.

دو پروژه دیگر چه بود؟

کروز: ارزش اشاره کردن ندارند!

اسپیلبرگ: یکی از آنها وسترن بود.

در شرایط فعلی به اعتقاد شما آیا فیلمهای علمی تخیلی همچنان جاذبه دارند؟

اسپیلبرگ: من احترام خاصی برای کتاب ولز قائل هستم ولی نه تا این حد که فیلم را در فضای دهه ۱۸۹۰ بسازم چون نمی خواهم جنگ دنیاها یک فیلم علمی ـ تخیلی دوره ویکتوریایی باشد. آنچه برای من اهمیت دارد این است که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر همه ما ناگاه بدبینانه ای به آینده داریم و همین مسأله به من این تصور را القا کرد که جنگ دنیاها در عین سرگرم کننده بودن از یک داستان احساسی واقع گرایانه نیز برخوردار است که برای تماشاچی سینما در این روزها معنای خاصی خواهد داشت.

آیا به دلیل محدودیتهای زمانی ناچار به تغییر برنامه فیلمبرداری شدید؟

اسپیلبرگ: قطعاً ناچار به اجرای این مسأله بودیم چون بایستی سکانس های اصلی افکت های تصویری را ابتدا می گرفتیم تا متخصصان در ILM کار خود را هرچه زودتر شروع کنند و البته مشکل و مانع اصلی کار، سرمای هوا در ماه فوریه بود. ما برف نمی خواستیم ولی یک روز درگیر بارش سنگین برف بودیم و سه روز بعد آثار برف از همه جا پاک شده بود بنابراین بایستی صدها هزار دلار دیگر هم خرج می شد تا در تصاویر ما در محدوده ای به وسعت ۵۰ هکتار برف خیابانها و مزارع را بپوشاند. در فیلم حدود ۴۰۰ شات دیجیتالی وجود دارد که نیاز به جلوه های تصویری دارد و از طرفی هم فیلم بایستی برای اکران ۲۹ ژوئن آماده شود به همین خاطر این فیلم فشرده ترین کار من در ده سال اخیر بود.

کروز: فکر می کنم هیچ کس دیگر از عهده این فیلم برنمی آمد. استیون گرچه در کارش دقیق است ولی سرعت خاصی را در پیشبرد کارهایش حفظ می کند و برای یک هنرپیشه هم کار کردن با او لذت بخش است چون او در کارش بسیار دقیق است و البته به هنرپیشگانش هم اعتماد کامل دارد.

اسپیلبرگ: اما باید اشاره کنم که اگر ما از همکاری دیوید کوئپ بهره نمی بردیم، همه چیز این قدر به سرعت پیش نمی رفت. همیشه در روند فیلمسازی لحظاتی وجود دارند که شما با تمام وجود به دنبال به نتیجه رساندن طرحی هستید همان طور که من می خواستم ایندیانا جونز ۴ را بسازم ولی تهیه کنندگان به اندازه من فیلمنامه را دوست نداشتند و به همین خاطر علی رغم اصرارهای من فیلم ساخته نشد و شاید اگر نسخه جدیدی از فیلمنامه ایندیانا جونز ۴ به موقع آماده می شد، همه چیز تمام شده بود هرچند که من امیدوارم تا ۱۸ ماه بعد تلاش دیگری برای ساخت آن داشته باشم. در مورد این فیلم هم اگر دیوید کوئپ فیلمنامه نهایی را به موقع آماده نکرده بود، هنوز در مرحله پیش تولید جنگ دنیاها به سر می بردیم.

تام، چه چیزی توجهت را به این فیلم جلب کرد؟

کروز: در درجه اول قصه فیلم، چون جنگ دنیاها کتابی بود که من واقعاً از مطالعه آن لذت بردم و شخصیت ها و تمامی اجزای آن جالب بود.

اسپیلبرگ: و تام نقش یک پدر را ایفا می کند...

کروز: بله من نقش یک پدر را ایفا می کنم! چقدر از داستان را قرار است لو بدهیم؟ شاید همه آن را (می خندد) بازی در نقش پدر برای من در زندگی بسیار مهم است.

چه بخشهایی از فیلم تازه و چه بخشهایی وفادار به متن خواهد بود؟

اسپیلبرگ: خب در نگاه اول خود شما باید فیلم را ببینید تا پاسخ دقیق این سؤال را پیدا کنید ولی از نقطه نظر من نمی توان توصیف دقیقی از فیلم داشت چرا که جنگ دنیاها فیلمی به شدت شخصی است در باره خانواده ای که اعضای آن تلاش در بنای آن و در کنار هم بودن دارند ولی سلسله وقایع دهشتناکی در پیرامون آنها رخ می دهد که مانع این مسأله می شود.

گرچه نسخه سینمایی جرج پال، یک اثر کلاسیک محسوب می شود ولی این روزها بسیاری دل خوشی از پایان آن ندارند. آیا شما پایان خاصی برای فیلمتان در نظر گرفته اید؟

اسپیلبرگ: فیلم پایان دیگری دارد که البته چندان با کتاب اصلی تفاوت ندارد و تصور می کنم ترکیب قابل قبولی از یک ذهنیت تازه و پایان کلاسیک باشد.

فضای فیلم شما تا چه حد تیره خواهد بود؟

اسپیلبرگ: خب قطعاً فیلم من شبیه سربازان سفینه فضایی و یا روز استقلال نخواهد بود بلکه جنگ دنیاها فوق واقع گرایانه ترین فیلم من تا به حال است و تمامی ارزشهایی را که تماشاگر از یک فیلم جریان اصلی سینما انتظار دارد، دارا خواهد بود. یادم می آید وقتی فیلم لورنس عربستان را برای اولین بار دیدم با خودم فکر می کردم این بزرگترین فیلم شخصی تاریخ است. البته من سعی ندارم فیلم خودم را با آن مقایسه کنم چون هرگز فیلمی به خوبی لورنس عربستان نساخته ام ولی نقاط مشترک متعددی بین فیلم من و لورنس عربستان وجود دارد.

کروز: من عاشق فیلمها هستم بدون توجه به آنکه دقت کنم فیلمها تا چه حد فضای تیره دارند ولی به نظر من حتی در تیره ترین سکانس های فیلم هم می توان شوخی هایی یافت. من دوران نوجوانی سختی را گذراندم ولی در همین دوران سخت هم شوخی های زیادی برای خندیدن به وجود می آمد. این خصوصیت در فیلمهای استیون همیشه وجود داشته است.

اسپیلبرگ: وقتی که فیلم آرواره ها را می ساختم به خودم گفتم اگر شوخی هایی به شکل عمدی در فیلم نگنجانم، تماشاچی احتمالاً در زمانهای نامناسبی خواهد خندید و این به فیلم لطمه خواهد زد. در مورد این فیلم هم احساس مشابهی داشتم.

استیون آیا در فیلم نقش کوتاهی ندارید؟

اسپیلبرگ: نه هرچند که شاید این خودش می توانست شوخی خوبی با تماشاچی باشد.

چه مقدار از خشونت فیلم عینی و چه مقدار آن تخیلی خواهد بود؟

اسپیلبرگ: خب، قطعاً موجودات بیگانه را در فیلم نشان می دهیم ولی خشونت فیلم در حدی خواهد بود که فیلم با درجه PG - B (مناسب برای افراد ۱۳ سال به بالا) اکران شود.

تام آیا می توانی در مورد شخصیت خودت توضیح بدهی؟

کروز: او پدری است که به عنوان مکانیک جرثقیل و وسایل باربری در بندر کار می کند اما در نسخه پال او یک دانشمند بود.

اسپیلبرگ: بله جین بری (قهرمان داستان) یک دانشمند بود ولی در کتاب ولز این چنین نیست اما نکته ای که من بایستی در مورد فیلم پال خاطرنشان شوم فضای پرتنش و پرتعلیقی بود که او در فیلم خود به وجود آورد و تا قبل از او هیچ کس موفق به انجام آن نشده بود وحتی این حس را به تماشاچی می داد که فیلم براساس یک حادثه واقعی ساخته شده است.

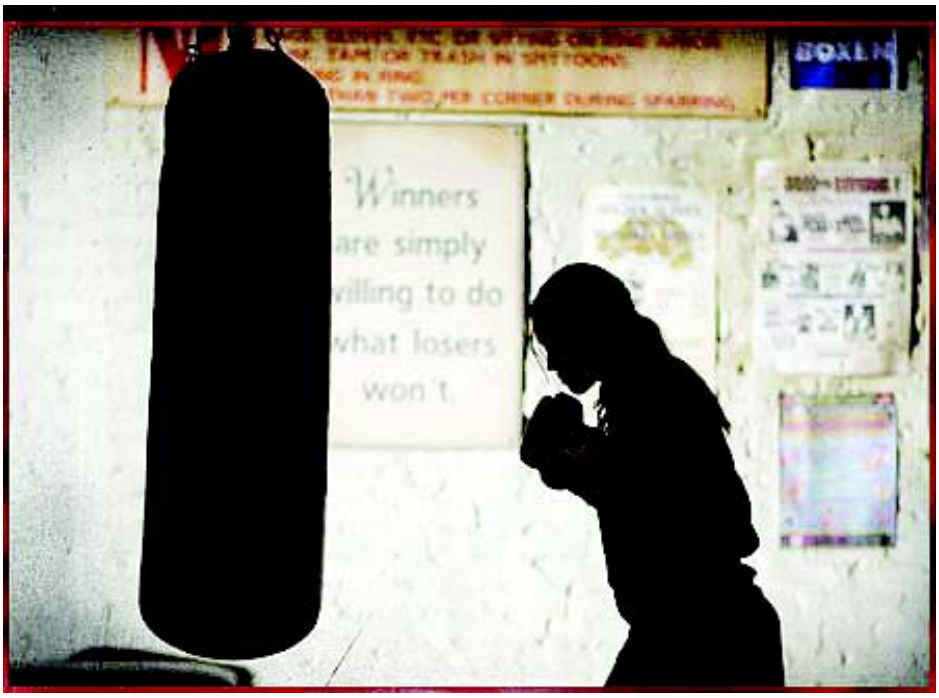

مارتین اسکورسیزی، کلینت ایستوود

دوئل دو غول سینما بر سر اسکار

مترجم: شیلا ساسانی

در حالی که روزشماری برای جوایز اسکار به پایان خود نزدیک می شود و دیگر چیزی به برگزاری این مراسم باشکوه سینمایی نمانده است اهالی سینما نیز بر شدت و ضعف گمانه زنی های خود افزوده اند. آیا «عزیز میلیون دلاری»، درام پرخشونت اما عاطفی محور کلینت ایستوود حریف «هوانورد» مارتین اسکورسیزی که روزهای اوج قدرت میلیاردر آمریکایی «هاوارد هیوز» را به تصویر می کشد، خواهد شد؟

تابه حال پیش نیامده که اسکار شاهد رقابت این دو حریف قدر سینمای آمریکا در دو شاخه مهم بهترین فیلم و بدترین کارگردانی باشد و اگر اسکورسیزی بازیگر می بود دامنه این رقابت به پای این حوزه هم کشیده می شد.

امسال ایستوود ۷۴ساله و بازیگر کهنه کار فیلمهای وسترن در گلچینی از شاخه های مختلف نامزد شده است که از جمله آنها نامزدی در شاخه بهترین بازیگر مرد برای ایفای نقش فرانکی دان در «عزیز میلیون دلاری» بوده است.

دو بازیگر دیگر همین فیلم «هیلاری سوانک» که در شاخه بهترین بازیگر زن و مورگان فریمن که در شاخه بهترین بازیگر مردنقش مکمل نامزدشده اندنیز از جمله شانس های خوب اسکار امسال هستند و حتی به گفته برخی منتقدان یک پله بالاتر از سایر رقبای خود در این شاخه ها ایستاده اند. ایستوود تاکنون اسکار بهترین بازیگری را نگرفته و امسال هم شانس زیادی برای پیروزی در این شاخه را ندارد اگر چه باید گفت که بازی سینمایی او در طول همه این سالها و در نقشهای کلاسیکی همچون «هری کثیف» واقعاً تحسین برانگیز بوده. در عوض به گفته اهالی سینما امسال بخت به احتمال زیاد با جیمی فاکس خواهد بود که برای بازی در نقش «ری» در فیلمی به همین نام درباره ری چارلز نامزد شده است.

ایستوود پیشتر دو اسکار بهترین فیلم و بهترین کارگردانی را به ارمغان برده است و حتی بسیاری معتقدند که فیلم «رودخانه مرموز» او در مراسم اسکار سال گذشته می بایست به جای «ارباب حلقه ها: بازگشت پادشاه» اسکار بهترین فیلم را از آن خود می کرد با این حال انصاف و عدالت همواره مشخصه اسکار نبوده است و بسیاری از بزرگان سینما همچون آلفرد هیچکاک و ارسون ولز ناکام از دریافت اسکار بهترین کارگردانی دارفانی را وداع گفته اند.

یکی ازهمین بزرگان سینما که خوشبختانه هنوز در قید حیات است اما علی رغم ساخت فیلمهای درخشانی همچون «گاوخشمگین»، «راننده تاکسی» و «رفقای خوب» اسکار بهترین کارگردانی را نگرفته «مارتین اسکورسیزی» است.

برای اسکورسیزی ۶۲ساله، امسال سال سرنوشت ساز خواهدبود چرا که او این بار فیلمی ساخته که ذائقه هالیوودی اسکار به آن عادت دارد.

همچون برندگان سابق اسکار «گلادیاتور»، «تایتانیک» و «بیمار انگلیسی» فیلم «هوانورد» یک فیلم حماسی و قهرمان محور است و علاوه بر آن فیلمی است که روزهای پرشکوه و دوران طلایی هالیوود دهه ۳۰ و ۴۰ را به تصویرمی کشد.

این فیلم در یازده شاخه نامزد شده است و اگر «عزیز میلیون دلاری» کلینت ایستوود از راه نمی رسید پیروزی حتمی با او بود. درحالی که «هوانورد» به بودجه کلان و ستارگان خوش چهره خود می بالد و داستانی پرابهت دارد، «عزیز میلیون دلاری» در نقطه مقابل آن فیلمی دراماتیک با داستانی صمیمی و تأثیربرانگیز است. تام انیل، منتقد سینمایی می گوید: در رقابت اسکار، به نظرمی آید «هوانورد» در پیشتاز باشد. «هوانورد» در بیشترین شاخه ها نامزد شده است و طی ۲۰ سال اخیر در ۱۸ مورد اسکار بهترین فیلم نصیب فیلمی شده است که در بیشترین شاخه ها نامزد شده بود. با این حال «عزیز میلیون دلاری» دردانه منتقدان است. مردم نسبت به آن حس خاصی دارند و کلینت محبوب رأی دهندگان اسکار است.

منتقد مجله تایم «ریچارد شیکل» دوست هردو فیلمساز معروف یعنی اسکورسیزی و ایستوود نیز دو دل است.

او هردو فیلم را می پسندد اما فکرمی کند درنهایت فیلم کم بودجه تر، فیلم پربودجه تر را مغلوب خودکند.

او می گوید: «اسکورسیزی فیلم خیلی خوبی ساخته. واقعاً تحت تأثیر قهرمان محوری و موضوع حماسی آن قرارگرفتم و اعضای آکادمی اسکار هم به این خصوصیت احترام می گذارند ولی حقیقت این است که عاشق فیلم کلینت ایستوودند و معمولاً در اسکار و رأی گیری ها این عشق است که غالب می شود.»

او می افزاید: «هوانورد قطعاً یک فیلم حماسی است اما نه آنقدر حماسی که آمریکا بخواهد دلباخته آن شود. فیلم اسکورسیزی واقعاً با شکوه است اما شخصیت محوری آن فردی است که درنهایت عقل خود را می بازد، نه کسی که مردم درباره او بگویند» هاوارد بیچاره یا» هاوارد شجاع «درحالی که فیلم ایستوود سرشار از شخصیتهایی دوست داشتنی است که می توان با تمام وجود به آنها عشق ورزید.»